

مدل توسعه سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

علی حسین قاسمی*

استادیار،

گروه کتابداری دانشگاه جندی شاپور

دریافت: ۱۳۸۹/۰۵/۱۴ | پذیرش: ۱۳۸۹/۰۷/۲۶

فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا(چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱
شاپا(الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱
نمایه در SCOPUS، LISA و ISC
<http://jlist.irandoc.ac.ir>
دوره ۲۷ | شماره ۲ | صص ۳۴۵-۳۶۸
زمستان ۱۳۹۰
نوع مقاله: پژوهشی

*tvahn@yahoo.com

چکیده: مقاله حاضر به ارائه مدلی برای توسعه سواد اطلاعاتی در ایران برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پرداخته است. این مدل، بر سه وجه-تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، تولید محتوی، و برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان- مبتنی است. در هر یک از این وجوه، ضمن اشاره به نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرند، به اهم اقدامات قابل اتخاذ اشاره شده است. انتظار می‌رود که با تحقق مهارت‌های سواد اطلاعاتی که با تجهیز یادگیرندگان به مهارت‌های تفکر انتقادی همراه است، بسیاری از اهداف ملی مورد انتظار در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و علمی در دسترس قرار گیرند؛ چرا که گام اول در امر دسترسی به دانش (که بومی‌شدگی، ویژگی اصلی آن است) قدرت تشخیص مسأله و تعیین روشن نیاز اطلاعاتی و بهره‌گیری از اطلاعات موجود برای تولید اطلاعات و دانش جدید است.

کلیدواژه‌ها: سواد اطلاعاتی، مدل توسعه سواد اطلاعاتی، برنامه‌ریزی آموزش سواد اطلاعاتی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

مباحث و موضوعات مرتبط با اطلاعات، روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابند و در مجامع و محافل گوناگون، به‌ویژه در محافل تخصصی، مرتب بحث‌ها و پرسش‌ها و پژوهش‌های متفاوتی را برمی‌انگیزند. یکی از حوزه‌هایی که ارتباط گسترده‌ای با اطلاعات و کارکردهای آن دارد، بخش آموزش عالی است که تربیت شهروندان آگاه و مطلع و تأثیرگذار بر سرنوشت کشور را برعهده دارد.

در نگاهی فراملی، جامعه قرن ۲۱، جامعه یادگیرنده است و ضرورت ادامه بقا در چنین جامعه‌ای، مجهز شدن به ابزارهای لازم آن است. هسته سازنده این جامعه را "سواد اطلاعاتی" می‌دانند (George & Luke 1995; Karisiddappa 2004; Lantz and Brage 2006). هرچه که افراد این جامعه با یادگیری و یادگیرندگی پیوند جدی‌تری داشته باشند، ضرورت توجه به سواد اطلاعاتی به‌شکلی جدی‌تر، آشکار می‌شود. از جمله اقتضای که موجودیت اجتماعی و شغلی آنان در گرو یادگیری و پژوهش است، دانشجویان و اعضای هیئت علمی هستند که به تدریس و پژوهش مشغول‌اند.

هرچند هر کسی که به‌نوعی با اطلاعات و اطلاع‌رسانی و با مفهوم سواد اطلاعاتی آشنایی دارد، ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی را تأیید می‌کند، برای آموزش سواد اطلاعاتی برنامه مدون و رسمی تدارک دیده نشده است. آنچه که مبنای عمل در اقدامات خودجوش و پراکنده است، معلوم نیست که به چه نتایجی منجر خواهد شد و تازه اگر نتایج پایداری به‌بار آورد، مشخص نیست برای توسعه و ترویج آثار جانبی آن بر چه مبنایی باید عمل کرد.

در حالی که در اسناد توسعه‌ای کشور، به‌طور رسمی بر به‌کارگیری اطلاعات و دانش و بر کارکردهای جاری و زیربنایی آن بسیار تأکید شده است، جای خالی طرح‌هایی برای آموزش و سنجش سواد اطلاعاتی، نقضی عمده در امر برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ای کشور محسوب می‌شود. حال که قرار است اطلاعات و دانش، محور توسعه و پیشرفت کشور باشد، باید توانایی استفاده از اطلاعات و دانش در میان نخبگان و برنامه‌ریزان آینده کشور ارتقا یابد و با انتظارات و توقعاتی که در اسناد توسعه‌ای بیان شده، همخوان گردد.

۲. جامعه جهانی و ضرورت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

"سواد اطلاعاتی، در پیوند با دسترسی به اطلاعات پایه و بهره‌گیری اثربخش از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، نقش چشمگیری در کاهش نابرابری‌ها در درون و میان

۱. به عنوان مثال می‌توان نقش اقتصاد دانایی محور در برنامه چهارم توسعه را مورد توجه قرار داد.

کشورها و مجامع، و در ترویج تحمل و درک متقابل در امر بهره‌گیری از اطلاعات در بافتارهای چندفرهنگی و چندزبانی بازی می‌کند" (Prague Declaration 2003).

در تعریف سواد اطلاعاتی گفته می‌شود: مجموعه مهارت‌هایی که برای یافتن، بازیابی، تحلیل، و به‌کارگیری اطلاعات، مورد نیاز است (Prague Declaration 2003). بسیاری از سیاستگذاران و دست‌اندرکاران آموزش، این مهارت‌ها را در ایجاد یک "جامعه اطلاعاتی" جهانی توأم با برابری که در آن، هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای در حال توسعه بتوانند در توسعه اجتماعی و اقتصادی سهیم باشند، ضروری می‌دانند.

امروزه، درحالی که شاهد پیدایش یک جامعه اطلاعاتی جهانی هستیم که فناوری در حدی فراتر از همه انتظارات بر مقدار اطلاعات موجود در آن و بر سرعت انتقال این اطلاعات افزوده است، هنوز برای تحقق جوامع دانشی اصیل، راهی طولانی در پیش است. یک پاره اطلاعات، حتی اگر (به‌عنوان مثال، به‌منظور حذف اختلالات یا خطاهای انتقال) اصلاح شده باشد، لزوماً معنی‌دار نیست. تا وقتی که بخش‌های وسیعی از جمعیت جهانی از نظر دسترسی به آموزش - برای بهره‌گیری بهینه از اطلاعات موجود همراه با تفکر و قضاوت انتقادی، و برای تحلیل، دسته‌بندی، و ادغام اقلامی که آنها را در یک پایگاه دانش، از همه جالب توجه‌تر می‌یابند - از فرصت‌های برابر محروم باشند، اطلاعات هرگز چیزی نخواهد بود مگر توده‌ای از داده‌های مبهم و بسیاری متوجه خواهند شد که به‌جای کنترل اطلاعات توسط آنان، اطلاعات است که آنان را در کنترل خود دارد (UNESCO 2005).

بنیان‌های یک جامعه اطلاعاتی و دانشی هرگز نمی‌توانند فقط با پیشرفت‌های فناورانه برابری کنند. بی‌شک، نابرابری‌ها در دسترسی به منابع، محتواها و زیرساختارهای اطلاعاتی بر ویژگی جامعه اطلاعاتی جهانی سایه می‌افکنند و رشد این جوامع را مختل می‌کنند. عصر ما عرصه دگرگونی‌ها و تغییرات آنچنان مهمی است که برخی ادعا می‌کنند ما در کشاکش "سومین انقلاب صنعتی" - انقلاب فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی - قرار داریم که با تغییر در الگوها و سامانه‌های اطلاعاتی، همایند است. عظمت این دگرگونی‌های فناورانه به‌مدت چندین دهه بر ابزار جدید و بر انتقال و پردازش اطلاعات اثر می‌گذارد و چه بسا حاکی از آن باشد که ما در آستانه عصر جدیدی از دانش دیجیتالی ایستاده‌ایم. دانش و اقتصادهای ناملموس و اثر فناوری‌های جدید بر جوامع شبکه‌ای، در کانون تغییرات جاری قرار دارند.

سمت و سوی این تغییرات، از نظر تدریس و آموزش، در جهت تغییر محوریت از دارندگان دانش به کسانی است که در پی کسب دانش - هم در چارچوب نظام‌های آموزشی رسمی و هم در چارچوب فعالیت‌های حرفه‌ای و آموزش غیررسمی (که مطبوعات و رسانه‌های

الکترونیکی نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند) - هستند. در زمانی که تغییرات بسیار سریع، بنیان مدل‌های قدیمی را به لرزه درآورده‌اند و "یادگیری براساس تمرین" و "توانایی نوآوری" در حال رونق گرفتن هستند، نیروهای شناختی جوامع ما به موضوع مهمی تبدیل شده‌اند. مدل یادگیری از دنیای مریبان فراتر رفته و در همه سطوح زندگی اجتماعی و اقتصادی گسترش یافته است. اینک بیش از پیش روشن می‌شود که هر سازمان، خواه انتفاعی یا غیرانتفاعی، باید بُعد یادگیری‌اش را تقویت نماید، تا جایی که تعداد رسانه‌ها و مکان‌های دانشی در کشورهای شمال و نیز کشورهای جنوب، رو به افزایش گذارد.

آموزش اولیه برای همه، هنوز یک اولویت بی‌قید و شرط است. اما، آموزش بزرگسالان که ممکن است در رابطه با کشورهایی که تا برآوردن نیازهای اولیه آموزشی هنوز راهی طولانی در پیش دارند، بی‌ربط به نظر برسد، به هر حال امروز اهمیت تعیین‌کننده‌ای یافته است؛ چرا که در ظاهر، یک شرط ضروری برای توسعه به‌شمار می‌آید. بنابراین، آموزش مادام‌العمر برای همه می‌تواند پاسخی به بی‌ثباتی فزاینده اشتغال و حرفه‌ها باشد، بی‌ثباتی‌ای که بیشتر آینده‌گرایان آن را پیش‌بینی می‌کنند. به‌علاوه، مصلحت در این است که بر مخاطرات و مزایای بیش از پیش قابل مشاهده ملازم با خصوصی‌سازی در امر ارائه آموزش (که اینک در حوزه آموزش عالی یک موضوع بسیار حساس محسوب می‌شود، ولی گسترش آن به سطوح دیگر نیز آغاز گردیده است) تمرکز شود. ثبت‌نام جهانی و عرضه آموزش متناسب با هر کس، برای تضمین کارآمدی و موفقیت، تنها و به‌خودی خود کافی نیستند. کارآمدی و موفقیت به کیفیت آموزش ارائه‌شده نیز بستگی دارد. از مدت‌ها پیش، عوامل اثرگذار بر کیفیت (همچون نسبت دانش‌آموز/معلم، تربیت معلم، کیفیت زیرساخت‌های موجود و امکانات در اختیار برای دانش‌آموز و معلمان) مشخص شده‌اند. این موارد با صرف هزینه - به‌خصوص از محل مخارج عمومی - برای آموزش، رابطه تنگاتنگی دارند.

با پیشرفت دانش، عرضه آموزش شکل‌های متنوعی پیدا می‌کند، اما "همگانی کردن" آموزش عالی، فشار بر بودجه‌های ملی را افزایش می‌دهد. هر روز تعداد هرچه بیشتری از مؤسسات، از شیوه‌های متعارف و مستقیم بودجه‌بندی دولتی در تأمین مالی هزینه‌های خود، به شیوه‌های دیگر (به‌خصوص تأمین مالی از جانب بخش خصوصی) روی می‌آورند. در ترکیب پیچیده مؤسسات خصوصی و عمومی، دیگر دانشگاه تک‌مدلی وجود ندارد. اگر کاری صورت نگیرد، پدیده تأمین مالی از جانب بخش خصوصی که به ظهور بازارهای آموزش عالی منجر می‌شود، ممکن است به نظام آموزش عالی کشور ضربه‌ای جدی وارد کند. برای اطمینان از کیفیت و تناسب نظام‌های در حال ظهور آموزش عالی، همکاری بین‌المللی بهتری لازم است.

ایده جوامع دانشی، خود بسیار مدیون رشد سریع پژوهش و نوآوری است. مراکز استقرار اطلاعات و یافته‌های علمی و نیز دست‌اندرکاران علم، هم‌اینک دستخوش تغییرات عمیقی هستند. با حضور بیش از پیش بازار در حوزه‌های فعالیت علمی، آنان (این قرارگاه‌ها و دست‌اندرکاران) باید در تلاقی‌گاه‌های بخش علمی و اقتصادی و سیاسی، آن نظام‌های پژوهش و نوآوری را به کار گیرند که توسعه پایدار را ترویج می‌کنند و همه، چه شمال و چه جنوب، از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند. مدل‌های جدید اشتراک دانش باید در آینده گسترش یابند. اینها شرایطی هستند که در آنها، علم و فناوری می‌توانند بر مبنای اشتغال و مشارکت تعداد هرچه بیشتری از افراد، به ساختن جوامع دانشی کمک کنند.

اصطلاح جامعه یادگیرنده^۱ که توسط رابرت هاجینز^۲ (۱۹۶۸) و تورستن هاسن^۳ (۱۹۷۴) رواج یافت، حاکی از نوع جدیدی از جامعه است که در آن، محدودیت‌های قدیمی درباره محل و نحوه به‌دست آوردن دانش سازمان‌یافته (درون مؤسسات آموزشی یا بلافاصله پس از مهارت‌آموزی) دیگر اعمال نمی‌شوند. در دنیایی که روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و در آن هر فردی در طول دوره کاری خود ممکن است به اشتغال در بیش از یک حرفه نیاز پیدا کند، یادگیری مادام‌العمر ضروری می‌شود.

به‌طور تقریبی، در همان زمانی که ایده "جامعه یادگیرنده" در حال تثبیت شدن بود، پتر دراکر^۴ (۱۹۸۹) به ظهور یک جامعه دانشی اشاره نمود که در آن، آنچه بیش از همه اهمیت دارد "یادگرفتن نحوه یادگیری" است (Wilkin, Fraunholz, and Unnithan 2006). این مفهوم جدید از آموزش به‌صورت هم‌زمان (۱۹۷۹) در گزارش کمیسیون بین‌المللی برای توسعه آموزش^۵، (به ریاست ادگار فائور^۶) برای یونسکو و با عنوان "یادگیری [برای] بودن: دنیای آموزش؛ امروز و فردا"^۷ مطرح شد (Faure 1979). در گزارش ادعا شد که آموزش، دیگر نه امتیازی برای نخبگان است و نه موضوعی مربوط به فقط یک گروه سنی: جهت‌گیری آموزش، زیر پوشش گرفتن کل جامعه و کل دوره حیات فرد است.

در سال ۱۹۹۶، "کمیسیون بین‌المللی درباره آموزش برای قرن بیست و یکم"^۸ به ریاست ژاک دلور^۹، در گزارش خود به یونسکو (UNESCO 1996) بر دامنه اثرگذاری فناوری اطلاعاتی جدید بر روزآمدسازی مستمر توانایی‌های شخصی و حرفه‌ای تأکید نمود. در حالی که تغییر روزافزون، الگوهای قدیمی را به چالش می‌کشد و به "یادگیری از طریق انجام دادن"

1 Learning society

2. Robert Hutchins

3. Torsten Husén

4. Peter Drucker

5. International Commission on the Development of Education

6. Edgar Faure

7. Learning to be: the world of education; today and tomorrow

8. International Commission on Education for the Twenty-first Century

9. Jacques Delors

و قابلیت‌های مبتکرانه اهمیت فزاینده‌ای داده می‌شود، پویایی دانشی جوامع به موضوعی عمده تبدیل شده‌اند. مدل "یادگیری" به مرزهایی بسیار فراتر از دنیای آموزش، به هر گوشه و کنار از زندگی اجتماعی و اقتصادی گسترش یافته است. اکنون بیش از پیش پذیرفته می‌شود که هر سازمانی، انتفاعی یا غیرانتفاعی، باید جنبه آموزشی و یادگیرانه‌اش را تقویت کند؛ و در اینجا باید یادآور شد که ظهور این الگو با الگوی نوآوری به صورت عام، در همه عرصه‌های فعالیت انسانی مطابقت می‌کند.

۱-۲. یادگیری، ارزش اصلی جوامع دانشی

یک جامعه یادگیرنده را نمی‌توان فقط یک جامعه اطلاعاتی تصور کرد. ایده "یادگیری" بار دیگر بعد بسیار مهمی را در نظر می‌آورد تا یادگیری در همه سطوح جوامع ما تعمیم یابد و مدلی را برای سازماندهی زبان و کار و زندگی نهادهای ما ارائه نماید. اینچنین پیشرفتی حاکی از تغییر در یک الگو^۱ است. از یک سو، دیگر نمی‌توان آموزش و یادگیری را به یک فضا-زمان مشخص و معین محدود نمود، بلکه ممکن است بتوان آنها را در طول زندگی توسعه بخشید. از سوی دیگر، عامل انسانی باید در قلب فرایند مستمر کسب و انتقال دانش قرار گیرد. بنابراین، اگر قرار است جامعه یادگیرنده به وجود آید ایجاد یک فرهنگ یادگیری ضروری است؛ فرهنگی که هم به معلم و هم به دانشجو شهامت ببخشد و این روابط را به فراسوی چارچوب آموزشی گسترش دهد.

۲-۲. یادگیری مادام‌العمر

ایده آموزش متناوب، در همه گیری آموزش بزرگسالان و آنچه در آن زمان آموزش "همگانی" نامیده می‌شد، نمود پیدا کرد. در ابتدا، آموزش بزرگسالان یک گزینه شخصی محسوب می‌شد که چشم‌انداز و پیشرفت اجتماعی یا چشم‌انداز بازآموزی حرفه‌ای را مطرح می‌نمود، اما در دهه ۱۹۷۰ آموزش مادام‌العمر به بخشی از یک تصویر وسیع‌تر از دوره آموزشی فرد تبدیل شد که در آن، آموزش را پیوستار "زگهواره تا گور" می‌دانستند. این تصویر به خصوص القاکننده تأملات مندرج در گزارش "فائور" بود. "آموزش مادام‌العمر برای همه" با تکیه بر این فرض شروع شد که مهارت‌آموزی اولیه ناکافی و ناقص است و در نتیجه باید مبنای "یادگیری آموختن" محسوب شود (که باید دائم در طول زندگی از نو فعال گردد) و اکنون به یکی از پایه‌های اصلی خودسازی تبدیل شده است. مسأله آموزش بزرگسالان به ظاهر، منعکس‌کننده نگرانی‌های خاص کشورهای صنعتی بود و به نظر نمی‌رسید که به کشورهای که

1. Paradigm

با برآوردن نیازهای آموزشی اولیه‌شان فاصله زیادی دارند، مربوط باشد. توان موجود برای قدرت‌بخشی به آموزش، با خواسته‌های کشورهای در حال توسعه منطبق بود. اما، آموزش مادام‌العمر امروزه باید یکی از پیش‌شرط‌های پیشرفت محسوب گردد که توانایی سازگارپذیری و خودمختاری، و نیز وسیله‌ای برای تضمین به اشتراک‌گذاری و جریان یافتن جهانی دانش شمرده می‌شود.

آموزش مادام‌العمر می‌تواند پاسخی برای بی‌ثباتی فزاینده در زمینه‌های شغلی (که بیشتر پیش‌بینی کنندگان، چنین چیزی را پیش‌بینی می‌کنند) فراهم کند. هر روز عده بیشتری از مردم، چندین شغل را در طول زندگی خود عوض خواهند کرد و آموزش، دیگر نمی‌تواند به ارائه یک تخصص واحد محدود شود، بلکه باید توانایی برای تغییر رویه در طول زندگی، و توانایی همساز شدن با تغییرات اجتماعی و اقتصادی را در هر فرد ایجاد نماید. اما مشکلات بازار کار هم گاهی اوقات تأثیرات ناشی از بزرگ‌نمایی اثرات اقتصادی و شغلی آموزش مادام‌العمر و در حاشیه قرار گرفتن جنبه پیشرفت فردی - به‌عنوان یک امتیاز غیرضروری - را داشتند. آموزش مادام‌العمر از زمان مصرف‌شده در هنگام کار، بسیار فراتر می‌رود و قبل از زندگی کاری یک فرد، در طول آن، و پس از آن ادامه می‌یابد. یادگیری مادام‌العمر فرایندی است که در شکل مطلوب آن باید در سه سطح معنی‌دار باشد که با وجود رابطه تنگاتنگ، می‌توان بسته به افراد مختلف و دوران زندگی هر فرد، جداگانه آن سطح‌ها را رتبه‌بندی کرد. به‌طور خلاصه، سه سطح توسعه وجود دارند: توسعه فردی و فرهنگی - معنایی که فرد به زندگی خود می‌دهد؛ توسعه اجتماعی - جایگاه فرد در اجتماع، شهروندی، مشارکت سیاسی و زندگی جمعی در جامعه؛ و درنهایت، توسعه حرفه‌ای - استخدام ثابت و مناسب و پیوندهایی که با تولید و رضایت شغلی و رفاه مادی دارد. بنابراین، آموزش مادام‌العمر دربرگیرنده تغییر شکل و توزیع مجدد و هماهنگ‌سازی دوباره دوره‌های یادگیری فردی و اجتماعی است.

مؤسسات آموزش عالی، بر مبنای تغییرات عمیق در الگوهای سنتی تولید دانش و اشاعه و کاربرد دانش، بی‌شک نقش مهمی در جوامع دانشی ایفا خواهند کرد. این مؤسسات - که به‌طور عمده از دانشگاه اروپایی الگو برداری شده‌اند - در طول ۵۰ سال گذشته رشدی انفجاری را در تعداد دانشجویان تجربه نموده‌اند که عده‌ای با عنوان "افزایش ظرفیت" آموزش عالی از آن یاد می‌کنند. با پیشرفت دانش، پیش‌بینی‌های آموزشی متنوع‌تر می‌شود. محدودیت‌های وارده بر هزینه‌های دولتی، نهادهای بیشتر و بیشتری را متقاعد می‌کند که حالت‌های دیگری از تأمین مالی را، به‌خصوص از جانب منابع خصوصی، در نظر بگیرند. در نتیجه، آموزش عالی در بیشتر

کشورها اکنون از شبکه پیچیده مؤسسات خصوصی یا عمومی استفاده می‌کنند: پلی تکنیک‌ها، دانشکده‌های مهندسی، آموزشگاه‌های مدیریت و بازرگانی، مراکز آموزش از راه دور، آزمایشگاه‌های پژوهشی، توابع شرکت‌ها، و ...

با "افزایش ظرفیت" آموزش عالی و محدودیت‌های بخش دولتی از نظر تأمین مالی آموزش عالی، بیشتر مؤسسات دانشگاهی - به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه - دیگر منابع مالی یا انسانی برای ارائه آموزش در کل دامنه رشته‌ها یا حتی برای زیر پوشش گرفتن همه دانش مرتبط با یک حوزه معین را ندارند؛ تعداد متخصصان محدود است. دانشگاهیان در مؤسساتی که از کمک مالی کمتری برخوردارند گاهی مجبورند وقت خود را برای وظایف تدریسی ضروری صرف کنند و در نتیجه باید کار پژوهشی خود را محدود کنند یا کیفیت آن را کاهش دهند که در نتیجه جذابیت این پژوهش‌ها برای دانشجویان و ربط آنها با نیازهای اجتماعی کم می‌شود. مؤسسات آموزش عالی با محروم شدن از کارکردهای پژوهش و اکتشاف و نوآوری، به نهادهای "آموزش فوق متوسطه" (که فقط دنباله سطوح ابتدایی و متوسطه است) تقلیل می‌یابند. اختلاف معنایی بین "آموزش عالی" و "آموزش فوق متوسطه" می‌تواند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که - در نتیجه نوعی از تقسیم بین‌المللی کار - خطر محدود شدن به ترویج آموزش فوق متوسطه را می‌پذیرند و در عین حال بر این باورند که آموزش عالی را ترویج می‌کنند، عواقب جدی داشته باشد. باید مجدداً از این دام اجتناب کرد که این امر خود مستلزم توسعه فعالیت‌های پژوهشی به‌عنوان یک اولویت است. دانشگاه‌ها، تا حدودی، آینه جوامع خود هستند. هر کشور، با هر شرایط فرهنگی و سطح توسعه اقتصادی، باید در موقعیتی باشد که از نتایج پژوهش - و نه فقط از نتایج آموزش فوق متوسطه - بهره می‌برد. بنابراین، دیدن نهادهایی که در برخی کشورهای در حال توسعه به بهای پژوهش، در آموزش فوق متوسطه تخصص می‌یابند، نگران‌کننده است.

بدین ترتیب، تضمین مناسب نظام‌های آموزش عالی برای ترویج یک فضای سالم اجتماعی و سیاسی در داخل کشور همراه با توسعه اقتصادی و فرهنگی اهمیت می‌یابد. رهبران سیاسی باید چند مأموریت مهم را برای مؤسسات آموزش عالی تعیین کنند: تولید و اشاعه و روزآمد نمودن دانش، تربیت مدرسان، و انتقال دانش به جامعه به‌صورت کلی. به‌علاوه، یکی از کارکردهای اصلی آموزش عالی باید روزآمدسازی دانش، به‌صورت مادام‌العمر، در حوزه‌هایی باشد که در معرض تغییرات دائمی قرار دارند.

۳. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

۳-۱. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در جهان

در رابطه با آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در جهان نیز اقدامات گوناگون و فراوانی انجام شده یا در دست انجام است که به نمونه‌هایی از آنها در پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها و مقالات گوناگون فارسی که در این موضوع نگاشته شده‌اند، اشاره شده است (قاسمی ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۵؛ قاسمی و دیگران ۱۳۸۶؛ پریخ ۱۳۸۶؛ نظری ۱۳۸۳). اما، آنچه که نوشتار حاضر در پی آن است، ارائه چارچوبی برای تدوین خط‌مشی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی است.

علاوه بر مراکز گوناگون آموزشی که به اقتضای وظایف و مأموریت‌های خود، توجه به امر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی را ضروری یافته و در همین راستا، به تدوین خط‌مشی سواد اطلاعاتی اقدام کرده‌اند^۱، در سطح ملی نیز در برخی کشورها به این مهم پرداخته شده است که از جمله می‌توان به CILIP در بریتانیا^۲، NFIL در ایالات متحده^۳، و نیز به ENSIL^۴ و ENIL^۵ در اروپا، Infolit Global (طرح مشترک ایفلا/ یونسکو)^۶، و ... اشاره کرد. در قالب تمامی این طرح‌ها و اقدامات، فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد که همگی در جهت سیاست‌گذاری، انسجام‌بخشی، تقویت، و گسترش فعالیت‌های آموزش سواد اطلاعاتی است.

۳-۲. آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در ایران

آنچه که در ایران انجام می‌گیرد البته قابل توجه است^۷، اما این اقدامات فاقد یک سیاست مدون یا حتی نامدون است. در این راستا، با توجه به آنچه در مقدمه در رابطه با وضعیت جهانی و منطقه ای و ملی گفته شد، تدوین یک سیاست و برنامه مدون برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی ضروری است.

کار تدوین سیاست و برنامه آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در کشور باید توسط یک نهاد ملی (وزارت علوم، مجلس، کتابخانه ملی، شورای انقلاب فرهنگی، و مانند آنها) انجام

1. University of Sydney: <http://www.library.usyd.edu.au/skills/infolitpolicy.html>
University of Tasmania: http://www.utas.edu.au/library/about/infolit_policy.html
University of Windsor:
<http://www.uwindsor.ca/units/leddy/leddy.nsf/InformationLiteracyPolicy!OpenForm>
Staffordshire University: http://www.staffs.ac.uk/images/info_literacy_policy_tcm68-27989.pdf
2. http://www.informationliteracy.org.uk/CILIP_CSG_IL.aspx
3. <http://www.infolit.org/>
4. <http://vbad.typepad.com/ensil/>
5. <http://www.ceris.cnr.it/Basili/EnIL/gateway/gatewayhome.htm>
6. <http://www.infolitglobal.info/>

۷. با توجه به اهمیت موضوع، تاکنون پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها و مقالات بسیاری در ایران منتشر شده که نشان‌دهنده جدیت جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در ترویج سواد اطلاعاتی است.

گیرد. اما این امر، ضرورت تدوین سیاست و برنامه را از سوی بخش‌های گوناگون آموزشی و غیرآموزشی (وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما، و ...) نفی نمی‌کند. در فقدان یک سیاست و برنامه مدون جامع و ملی، اهمیت وجودی چنین اسناد درون‌بخشی افزایش می‌یابد.

۴. چارچوب برنامه پیشنهادی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در آموزش عالی در ایران

بررسی نحوه عمل سازمان‌ها و مؤسسات پیشرو در این حوزه نشان می‌دهد که در آموزش سواد اطلاعاتی باید به چند نکته توجه داشت:

- انسجام و یکپارچگی آموزش‌ها را باید همواره در نظر داشت و از پراکنده کاری پرهیز

نمود؛

- با تحول شیوه‌های آموزش، شیوه‌های یاددهی و یادگیری سواد اطلاعاتی نیز باید با استفاده از این شیوه‌ها و رویکردهای نوین اتخاذ شوند؛ و

- آنچه که در آموزش سواد اطلاعاتی نیز اهمیت دارد، ارزشیابی میزان مهارت‌ها و آموخته‌هاست. بنابراین، برای حفظ انسجام در محتوی و آموخته‌ها، ضروری است که از استانداردهای سواد اطلاعاتی استفاده شود.

باید توجه داشت که روی آوردن به استاندارد به معنای پیچیدن یک نسخه یکسان برای همه‌جا و همه‌کس نیست. در ترویج استانداردها و آموزش‌های سواد اطلاعاتی باید به وجوه بسیاری از جمله نیازهای فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و وضعیت فناورانه و اقتصادی و ... توجه نمود.

"استاندارد سواد اطلاعاتی" مجموعه‌ای است که باید چارچوبی برای سنجش افراد باسواد اطلاعاتی در اختیار ما قرار دهد و بیانگر نمای کلی از فرایندی باشد که به وسیله آن می‌توان نشانگرهای خاصی را که مشخص‌کننده یک باسواد اطلاعاتی هستند، تعیین کرد.

مسیر پیاده‌سازی استانداردهای سواد اطلاعاتی، استفاده از "مدل آموزش سواد اطلاعاتی" است. هدف از تدوین مدل‌های گوناگون سواد اطلاعاتی، تعیین راهکارهای عملی برای ارائه برنامه‌های مختلف آموزش سواد اطلاعاتی متناسب با محیط آموزشی بوده است. انتخاب مدل مناسب برای آموزش سواد اطلاعاتی مرحله‌ای است که پس از سنجش سطح سواد اطلاعاتی و انتخاب استانداردها صورت می‌پذیرد و آشنایی با این مدل‌ها، به این دلیل که زمینه لازم در باب شیوه‌های آموزش سواد اطلاعاتی و وجوه مورد تأکید در هر مدل را به ما می‌دهند، مناسب است.

با توجه به مطالب بسیاری که تاکنون در باب وضعیت آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در جهان و در ایران بیان شد، متوقف کردن امر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی تا زمان حصول یک مدل مناسب آموزش سواد اطلاعاتی، منطقی و قابل قبول نیست و موجب تداوم ناهماهنگی‌ها و بی‌برنامگی‌ها در این عرصه خواهد شد. از این رو، باید ضمن ورود به عرصه اقدامات عملی، ضرورت حصول یک مدل کارآمد آموزش سواد اطلاعاتی را نیز در نظر داشت. بدیهی است که مهمترین وجه در مدل یادشده، کارآمدی و بیشینگی بهره‌وری در آن است و تأکید نابجا بر جامعیت و شمولیت کشوری آن، تنها موجب فراموشی هدف اصلی (یعنی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی) خواهد گردید. مدل به‌دست آمده تا جایی باید فراگیر و جامع باشد که ارائه‌دهنده کلیات و مهمات نظری آموزش سواد اطلاعاتی با توجه به نیازها و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و ... ایران باشد. دانش به‌دست آمده در روند تدوین مدل یادشده موجب خواهد شد که در به‌کارگیری مدل نهایی، هر مؤسسه آموزشی متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص مخاطبان خود، تنظیمات لازم را در آن اعمال کند. تا آن زمان، مؤسسات آموزشی و به‌ویژه پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران باید ضمن بررسی مدل‌های آموزش سواد اطلاعاتی، به استخراج عناصر مورد توجه در این مدل‌ها و باز ترکیب آنها به‌منظور تدوین مدل‌های بومی پردازند و در این رهگذر، از تجارب عملی به‌دست آمده از برنامه‌های آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی، از طریق اقداماتی که در دنباله به آنها اشاره خواهد شد، بهره‌گیرند.

نخستین گام در ترویج آموزش‌های سواد اطلاعاتی با توجه به ماهیت همگانی آن و نیز با توجه به استلزام‌های بعدی که در گرو مشارکت بین‌بخشی است، باید به آگاهی‌بخشی اختصاص یابد. آگاهی‌بخشی به‌معنای آگاه کردن و آموزش دادن افراد درباره یک موضوع یا مسأله، با هدف تأثیرگذاری بر گرایش‌ها، رفتارها، و باورهای آنان در جهت تحقق یک هدف یا برنامه نیز هست.

آگاهی‌بخشی یک انگیزه ساختاری و بالقوه است که در نهایت موجب تغییرات مثبت در رفتارها و گرایش‌ها می‌شود. بر این مبنا، آگاهی‌بخشی همگانی (بسته به حوزه عملیاتی تعیین شده و مورد نظر) در باب مفاهیم و ضرورت‌های سواد اطلاعاتی یکی از الزامات آموزش سواد اطلاعاتی و قدم اول در هر اقدام عملی است. بدین منظور، از شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی می‌توان بهره گرفت. برخی از این شیوه‌ها در منابع و مراجع مربوط به سواد اطلاعاتی (از جمله در "فهرست راهنمای بین‌المللی منابع سواد اطلاعاتی"^{۱۱} که توسط "فدراسیون

1. http://www.uv.mx/usbi_ver/unesco

بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا) و یونسکو ایجاد شده است) آمده‌اند و برخی دیگر بنا به اقتضائات محلی، باید از سوی دست‌اندرکاران و فعالان سواد اطلاعاتی (در اینجا، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران) ابداع و تدوین شوند و انتظار می‌رود که به‌عنوان محصولات و یافته‌های ملی، در اختیار دیگران نیز قرار گیرند. آنچه که در جریان آگاهی‌بخشی در باب سواد اطلاعاتی همواره باید به خاطر داشت این است که رفتارها و باورها و اقدامات جاری در امر آموزش سواد اطلاعاتی را می‌توان از طریق آگاهی‌بخشی به مسیر مناسب و شایسته هدایت کرد یا بر آن اثر مثبت گذاشت.

نکته دوم آنکه باید در پی به‌دست آوردن تأثیرات عمیق و ماندگار بود. برای دستیابی به چنین موفقیتی نیاز به برنامه‌ریزی سنجیده و تمهید پاره‌ای مقدمات است که بدون آنها، هرگونه اقدامی بی‌دنباله و مقطعی خواهد بود.

نکته دیگر، تعیین حوزه عملیاتی برای آموزش سواد اطلاعاتی است. با توجه به ماهیت مهارت‌های سواد اطلاعاتی، عموم افراد جامعه به چنین مهارت‌هایی نیازمندند تا بتوانند در دنیای اطلاعاتی امروز، با موفقیت به زندگی پردازند. اما تدوین برنامه جامع و ملی برای آموزش سواد اطلاعاتی، نیازمند یک مشارکت همه‌جانبه و بین‌بخشی است که در آن، همه سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار آموزش، چه آنهایی که به آموزش‌های رسمی مشغول‌اند (مانند وزارت آموزش پرورش، آموزش عالی، ...) و چه آنهایی که آموزش‌های غیررسمی جزو وظایف آنهاست (مانند وزارت ارشاد، صدا و سیما، ...) باید حضور داشته باشند. بدیهی است که با توجه به حوزه عمل و وظایف و مأموریت‌هایی که برای هر سازمان مشخص شده است، بخش‌های مختلف باید در حوزه عمل خاص خود به فعالیت پردازند، اما این فعالیت‌ها باید در چارچوب یک سیاست ملی (و در نبود آن، در راستای چنین سیاست مفروضی) انجام گیرند.

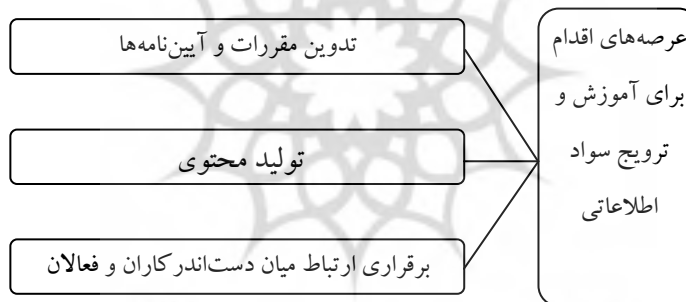
آنچه که در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود گامی است در راه تحقق این مشارکت همه‌جانبه که در طول آن، اصول اولیه برای اقدام در جهت آموزش سواد اطلاعاتی در آموزش عالی ارائه می‌گردد تا بتوان بر مبنای آن، به اقدامات عملی در امر آموزش سواد اطلاعاتی پرداخت.

۵. عرصه‌های اقدام در آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

توصیه می‌شود که اقدامات مرتبط با سواد اطلاعاتی حوزه تابعه این وزارتخانه مبتنی بر پنج راهبرد کلی باشد:

۱) رعایت خط‌مشی‌های بین‌المللی (مانند بیانیه پراگ یونسکو در سال ۲۰۰۳ یعنی "به سوی جامعه باسواد اطلاعاتی")؛

- ۲) تدوین برنامه درسی برای مراکز آموزشی، مشتمل بر برآوردهای یادگیری، قابلیت‌ها، و معیارهای سنجش و ارزیابی؛
 - ۳) توسعه و مهارت‌آموزی حرفه‌ای برای افراد آکادمیک، اساتید، کتابداران، و دیگر افرادی که مستقیم با تدریس مهارت‌های سواد اطلاعاتی درگیرند؛
 - ۴) تولید منابع و مواد آموزشی سواد اطلاعاتی، از جمله در قالب‌های درون‌خطی (درو ب) و یادگیری از راه دور؛ و
 - ۵) گفت‌وگو مستمر بین‌المللی با پژوهشگران و فعالان سواد اطلاعاتی از طریق کنفرانس، کارگاه آموزشی، و تبادل برنامه (مانند "کارگاه آموزشی بین‌المللی مهارت‌های اطلاعاتی برای یادگیری" در ۲۰۰۴ در کلمبو - سریلانکا).
- بر مبنای این راهبردهای کلی، عرصه‌هایی که برای اقدام به منظور برنامه‌ریزی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی باید مورد توجه قرار داد در نمودار ۱ مشخص شده‌اند.

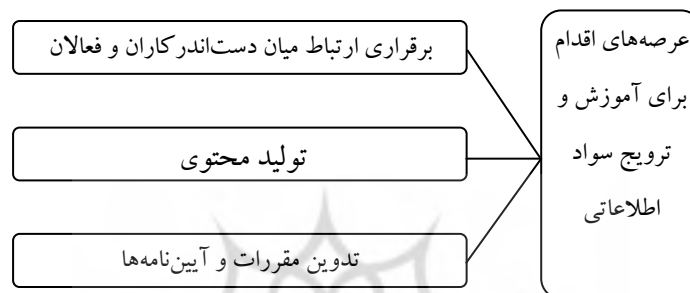


نمودار ۱. ترتیب منطقی عرصه‌های اقدام برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

فعالیت سازمان‌یافته و هدفمند در هر یک از این سه عرصه باید مشتمل بر چهار دسته اقدامات زیر باشد:

- الف. تحقیق درباره موضوع؛
 - ب. بسیج امکانات پشتیبان و مراجع پشتیبانی‌کننده؛
 - ج. آگاهی‌بخشی همگانی؛ و
 - د. رایزنی و مذاکره با تصمیم‌گیران (Oxfam International Youth Parliament 2005).
- بنا به ماهیت نوشتار حاضر، ترتیب اهمیت این سطوح سه‌گانه (نمودار ۱) به همان صورت

ارائه شده است، اما ترتیب عملیاتی آنها از انتها به ابتدا، و به ترتیبی است که در نمودار ۲ به نمایش درآمده است. دلیل این وارونگی در ترتیب، عملیات پذیری این عرصه‌ها در شرایط کنونی است، چرا که با این ترتیب، تحقق اهداف مترتب بر طرح آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی از امکان پذیری بیشتری برخوردار خواهد بود.

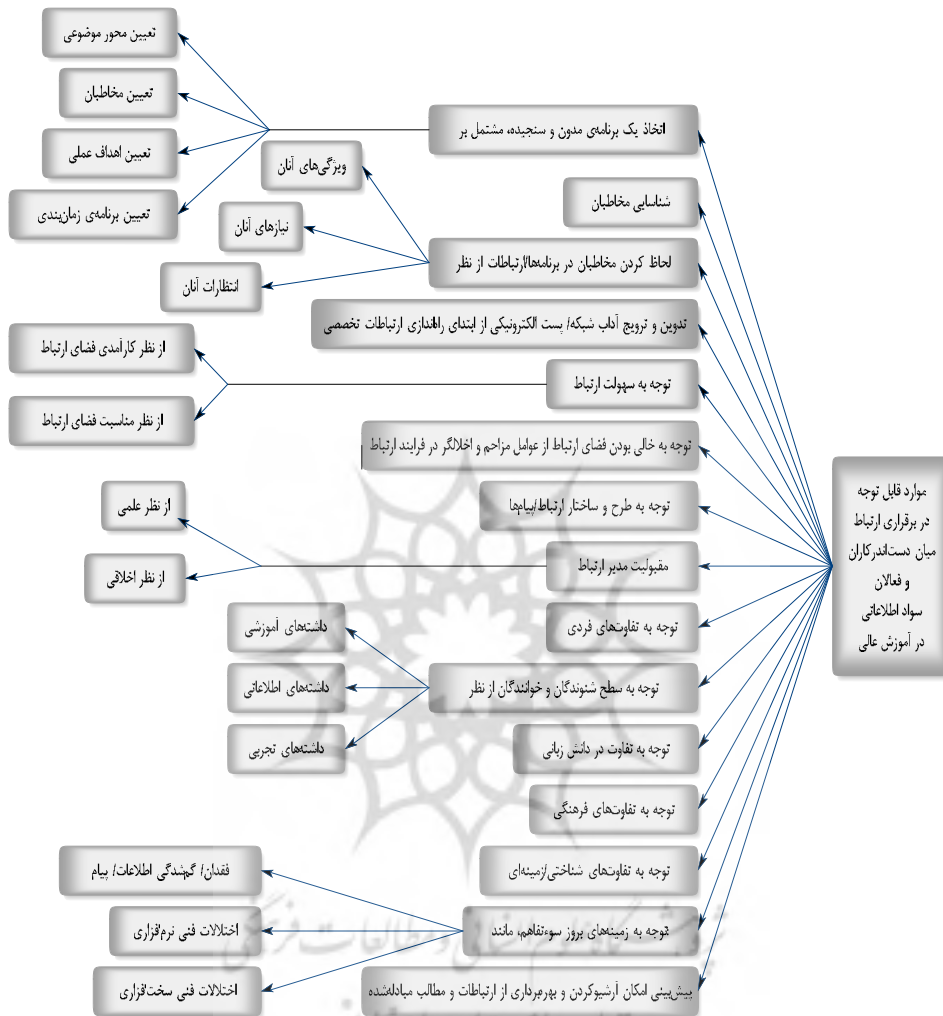


نمودار ۲. ترتیب عملیاتی عرصه‌های اقدام برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

۱-۵. برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان حوزه سواد اطلاعاتی

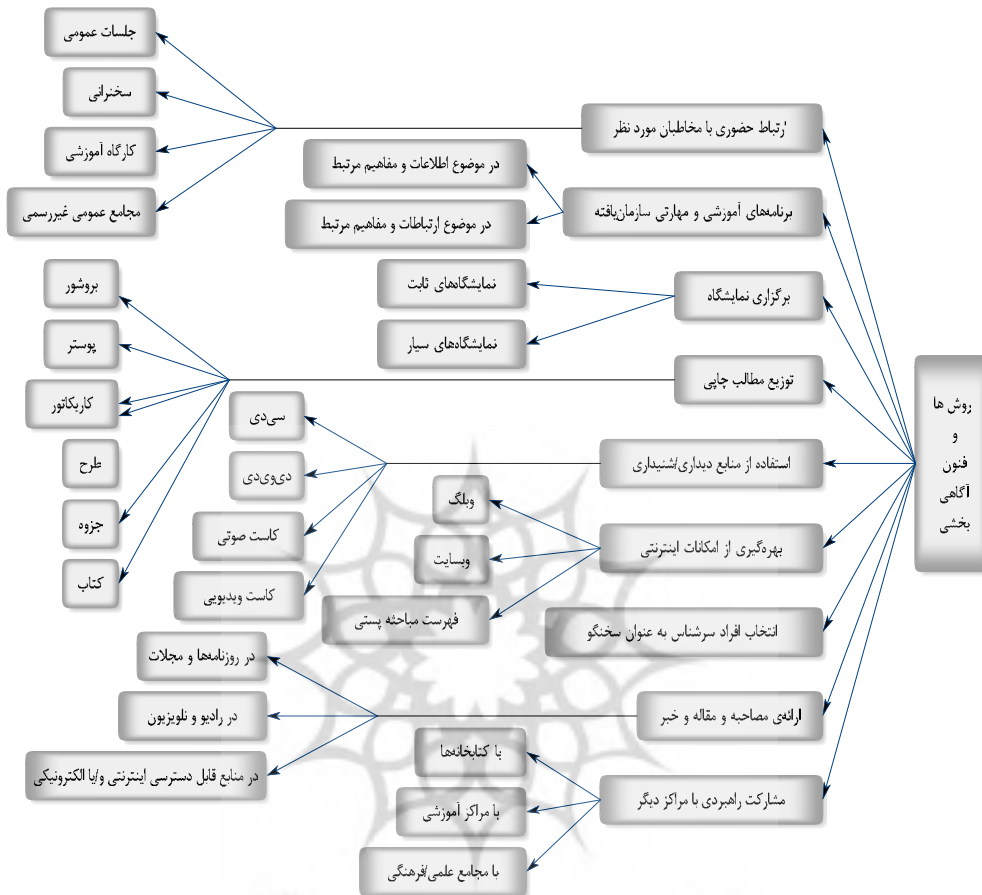
در بیان کلی، ارتباط را می‌توان چنین تعریف کرد: "مذاکره و مبادله معنی که در طول آن، پیام‌ها و افراد فرهنگ‌مند و "واقعیت" به گونه‌ای باهم تعامل می‌کنند که امکان تولید معنی یا وقوع ادراک، فراهم آید" (O'Sullivan et al. 1983).

در برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران و فعالان سواد اطلاعاتی در آموزش عالی که در درجه اول و به‌طور عمده در حال حاضر، کتابداران و اساتید رشته‌های کتابداری و به تدریج و در مراحل بعدی، اساتید رشته‌های دیگر را شامل می‌شود، نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند که این نکات در نمودار ۳ مورد اشاره قرار گرفته‌اند.



نمودار ۳. موارد قابل توجه در برقراری ارتباط میان دست‌اندرکاران سواد اطلاعاتی در آموزش عالی

در جریان این ارتباط‌ها از روش‌ها و فنونی به‌منظور آگاهی‌بخشی می‌توان بهره گرفت که در نمودار ۴ به این روش‌ها و فنون اشاره شده است.

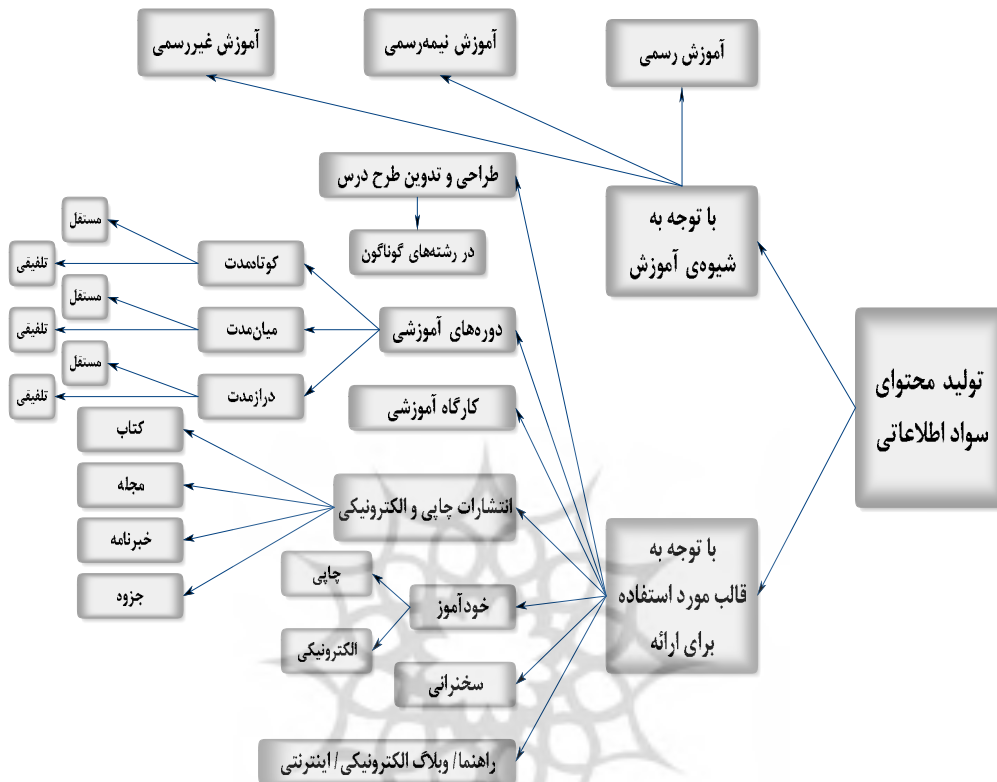


نمودار ۴. روش‌ها و فنون آگاهی بخشی

۲-۵. تولید محتوی در حوزه آموزش سواد اطلاعاتی

در تولید محتوی باید توجه داشت که ترویج کاربرد محتوای تولیدشده در گرو ایجاد نیاز به آن محتواست. از این رو، ترویج مفهوم سواد اطلاعاتی مستلزم آموزش‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی است. فقط با یک جمعیت مخاطب علاقه‌مند به محتوی می‌توان تداوم کاربرد و تولید محتوی را تضمین کرد.

تولید محتوی در واقع باید مبتنی بر شیوه‌های آموزش سواد اطلاعاتی باشد. این شیوه‌ها بر سه دسته‌اند: رسمی و نیمه‌رسمی و غیررسمی. بر این اساس، آموزش‌های سواد اطلاعاتی را می‌توان در قالب‌های گوناگونی ارائه داد که در نمودار ۵ به آنها پرداخته شده است.



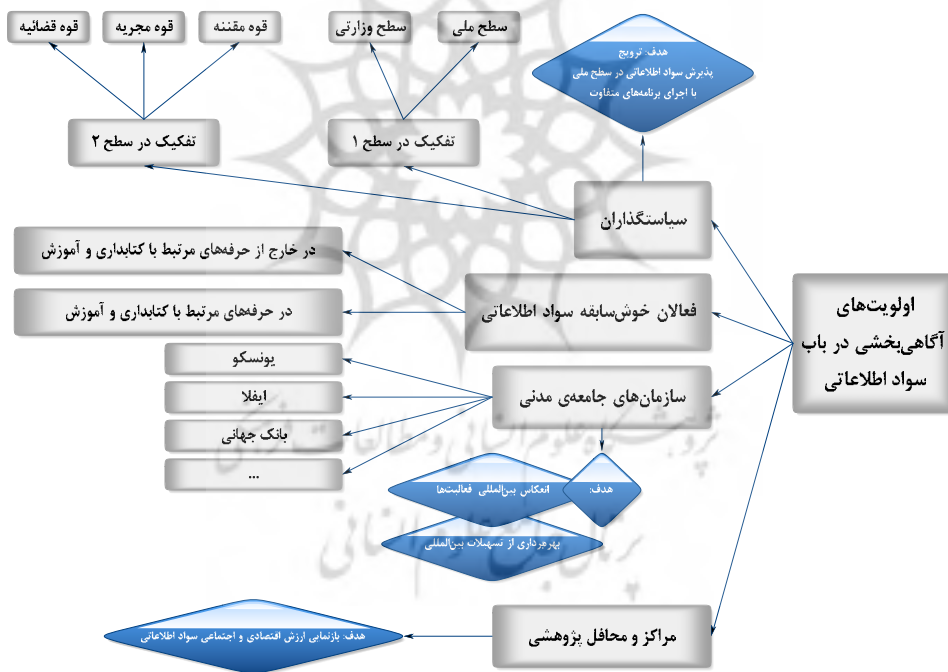
نمودار ۵. قالب‌های ارائه محتوای برای آموزش سواد اطلاعاتی

بدیهی است که برقراری ارتباط میان فعالان و دست‌اندرکاران آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی موجب ارتقای سطح محتوای تولید شده خواهد گردید. آنچه که موجب اشاعه اقدامات آموزشی به قلمرو آموزش‌های نیمه‌رسمی و غیررسمی خواهد گردید، موفقیت در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های جامع و روشن در امر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی خواهد بود که به موجب آن، بخش‌های مختلفی که دارای ظرفیت قابل استفاده در این قبیل آموزش‌ها هستند (مانند صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد و ...) برای ارائه این آموزش‌ها مورد توجه قرار گیرند. البته باید یادآوری کرد که تولید محتوای از یک سو، در ارتباط با شیوه‌های آموزش و از سوی دیگر، متأثر از مدل آموزش سواد اطلاعاتی است. آنچه که به تحقق یک مدل کارآمد در آموزش سواد اطلاعاتی منجر خواهد شد، بازخوردهای حاصل از ارائه محتواها و دوره‌های آموزش سواد اطلاعاتی و سنجش میزان مهارت‌های آموخته‌شده در پی این آموزش‌هاست.

به بیان دیگر، در کنار تلاش و برنامه ریزی برای تولید محتوای آموزشی سواد اطلاعاتی، باید به طور مستمر به ارزیابی و تحلیل برآیندهای به دست آمده پرداخت و نتایج نهایی را در مراحل بعدی و در تدوین مدل بومی آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی مورد استفاده قرار داد.

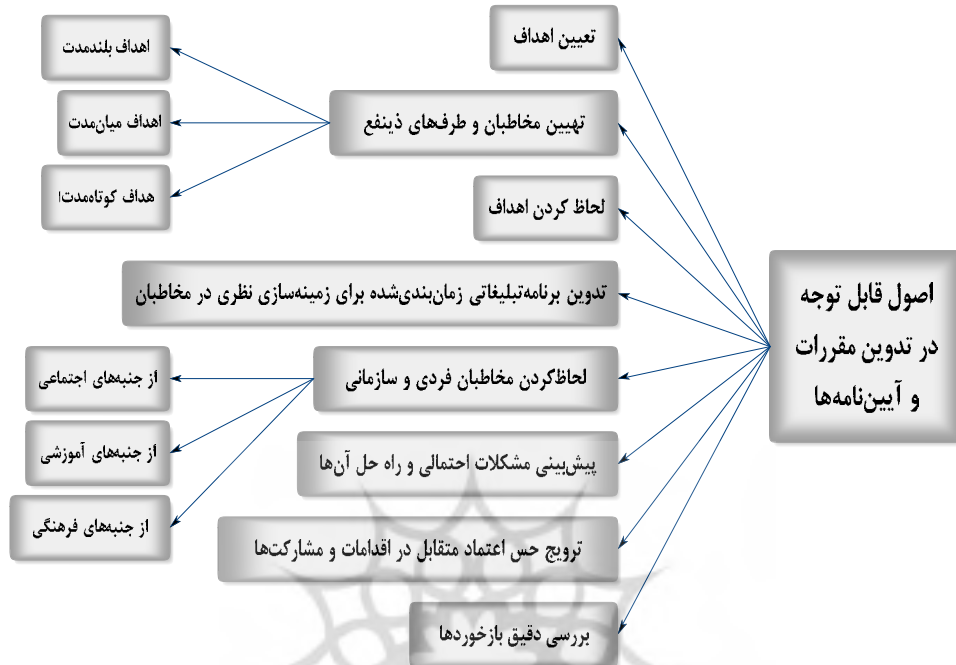
۳-۵. تدوین مقررات و آیین نامه های مربوط به آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی

قدم اول در راه زمینه سازی برای تدوین مقررات و آیین نامه ها، همان گونه که پیش تر هم مورد اشاره قرار گرفت، آگاهی بخشی به دست اندر کاران و تصمیم گیرندگان درباره سیاست ها و خط مشی های مرتبط با آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی است. اولویت هایی که در امر آگاهی بخشی در باب سواد اطلاعاتی در "گردهمایی عالی در موضوع سواد اطلاعاتی و یادگیری مادام العمر" در سال ۲۰۰۵ در نظر گرفته شدند، در نمودار ۶ آورده شده اند.



نمودار ۶. اولویت های آگاهی بخشی در باب سواد اطلاعاتی

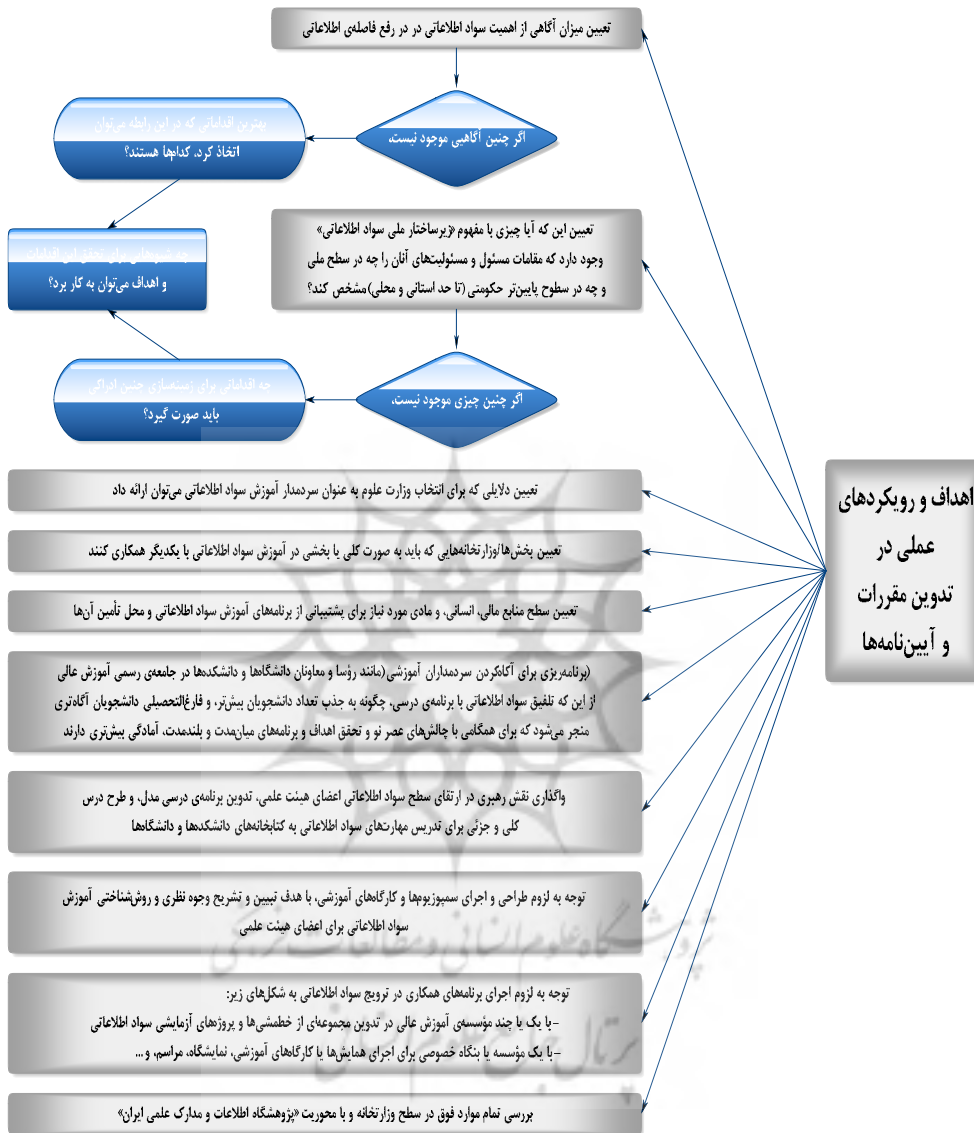
در تدوین مقررات و آیین نامه ها نیز باید اصولی را مدنظر قرار داد که در نمودار ۷ آمده است.



نمودار ۷. اصول مربوط به تدوین مقررات و آیین نامه‌ها

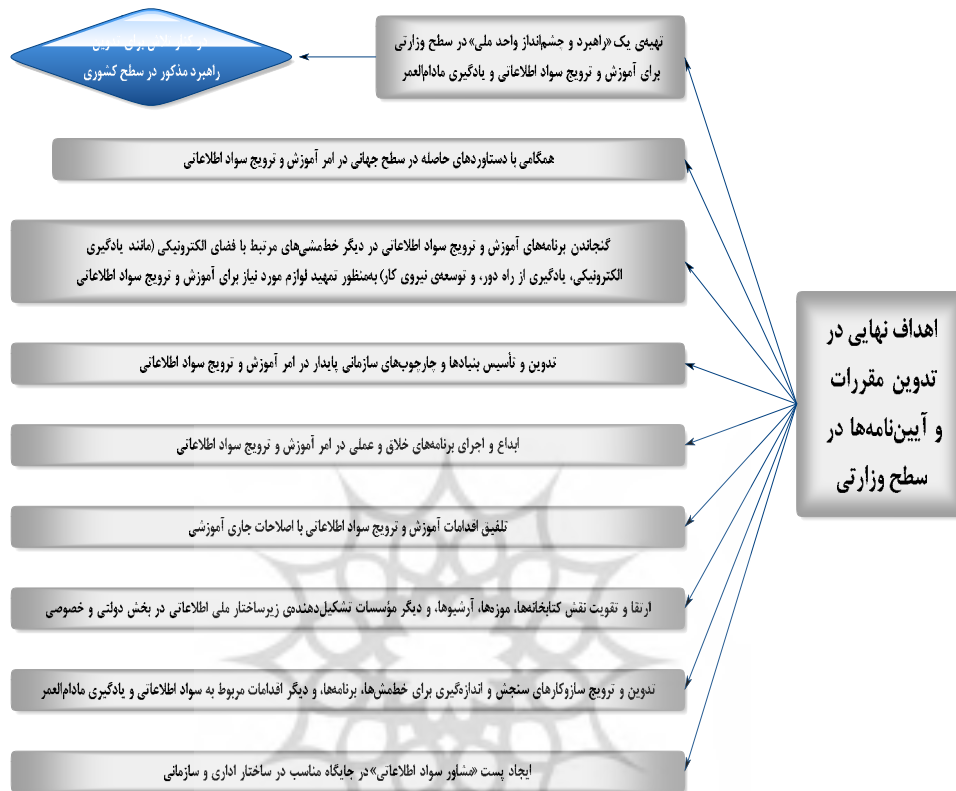
اهداف و رویکردهای عملی که در تدوین مقررات و آیین نامه‌ها باید به آنها توجه داشت، در نمودار ۸ بیان شده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۸. اهداف و رویکردهای عملی در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها

و بالاخره آنچه که در نهایت، در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها مورد هدف قرار می‌گیرد، مواردی است که در نمودار ۹ مورد اشاره قرار گرفته است.



نمودار ۹. اهداف نهایی در تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها

۶. نتیجه نهایی

با ورود به اقدامات اشاره‌شده و بسته به درجه حصول و تحقق برنامه‌های تدوین‌شده برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در کشور، نتایج پیش‌بینی‌شده یا مورد انتظار از برنامه‌های آموزشی و پژوهشی تحقق می‌یابند؛ چرا که ابزار لازم برای دستیابی به این اهداف از نظر تجهیز آموزش‌دهندگان و پژوهشگران و مدیران اجرایی کشور به‌منظور بهره‌برداری از ذخائر اطلاعاتی موجود، در اختیار آنان قرار گرفته است.

بدیهی است با پیشرفت‌های سریعی که در قلمرو فناوری و اطلاعات حاصل می‌شود، مدل‌های آموزش سواد اطلاعاتی نیز باید مورد بازنگری و ارتقای مداوم قرار گیرند. اما، این امر در گرو برنامه‌ریزی منسجم و جامع به‌منظور افزایش بهره‌وری از فعالیت‌ها و تلاش‌های دست‌اندرکاران آموزش سواد اطلاعاتی است. با تحقق مهارت‌های سواد اطلاعاتی که با تجهیز

یادگیرندگان به مهارت‌های تفکر انتقادی همراه است، بسیاری از اهداف ملی مورد انتظار در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و علمی در دسترس قرار می‌گیرند؛ چرا که گام اول در امر دسترسی به دانش (که بومی شدن، ویژگی اصلی آن است) قدرت تشخیص مسأله، تعیین روشن نیاز اطلاعاتی، و بهره‌گیری از اطلاعات موجود برای تولید اطلاعات و دانش جدید است. شعار عصر امروز این است: دانش قدرت است و دسترسی به دانش بدون سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی ناممکن است.

به‌عنوان گام بعدی که در دنباله نتایج مترتب بر نوشتار حاضر می‌توان برداشت، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- تهیه برنامه عملیاتی تفصیلی برای آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
- تهیه و تدوین مدل آموزش سواد اطلاعاتی برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ و
- راه‌اندازی دفتر آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی در این وزارتخانه، برای برنامه‌ریزی و هدایت جامع اقدامات در عرصه آموزش و ترویج سواد اطلاعاتی.

۷. سپاسگزاری

این مقاله بر مبنای گزارش نهایی طرح پژوهشی "طراحی مدل توسعه سواد اطلاعاتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری" تدوین شده است که با حمایت مالی "پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران" در سال ۱۳۸۸ به انجام رسید.

۸. منابع

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=5389> (دسترسی در ۸۸/۱/۲۴).

پریخ، مهری. ۱۳۸۶. آموزش سواد اطلاعاتی: مفاهیم، روش‌ها و برنامه‌ها. تهران: کتابدار.

سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران به روایت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۱۳۸۴. فصلنامه حکومت اسلامی ۱۰ (۴): ۱۷-۴۰.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. ابلاغی مقام رهبری به‌موجب بخشنامه شماره ۱۰۱/۱۹۳۰۰ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۰ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

قاسمی، علی حسین. ۱۳۸۳. ضرورت و چگونگی آموزش سواد اطلاعاتی در توسعه و تقویت آموزش عالی. در آموزش استفاده‌کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی (مجموعه مقاله‌ها)، به کوشش رحمت‌الله فتاحی، ۱۵۳-۱۷۸. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

قاسمی، علی حسین. ۱۳۸۵. بررسی وضعیت سواد اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و انطباق آن با استانداردهای سواد اطلاعاتی ACRL و چهار سند توسعه ملی. پایان‌نامه دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

قاسمی، علی حسین، محمدحسین دیبانی، محمدرضا داورپناه، و بختیار شعبانی ورکی. ۱۳۸۶. هنجاریابی استاندارد قابلیت‌های سواد اطلاعاتی (ای‌سی‌آرال) برای جامعه دانشگاهی ایران. *مطالعات تربیتی و روانشناسی - ویژه‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی* ۸ (۳): ۷۵-۹۸. نظری، مریم. ۱۳۸۳. *سواد اطلاعاتی برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی*. با همکاری سیروس غلبدوستی. طرح پژوهشی. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

http://app.irandoc.ac.ir/Irandoc/ipms/download.aspx?UGgrLix4%2fOM%3d (دسترسی در ۸۸/۱/۲۴).

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴-۱۳۸۸: مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۳. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.

Drucker, P. F. 1989. *The new realities in government and politics/in economics and business/in society and world view*. New York: Harper and Row.

European network for information literacy. <http://www.ceris.cnr.it/Basili/EnIL/index.html> (accessed 26 Dec. 2011).

European Network for School Libraries and Information Literacy. <http://vvbad.typepad.com/ensil/> (accessed 26 Dec. 2011).

Faure, E. 1979. *Learning to be: the world of education today and tomorrow*. New York: UNIPUB.

George, R., and R. Luke. 1996. The critical place of information literacy in the trend towards flexible delivery in higher education contexts. *Australian Academic & Research Libraries* 27 (3): 204-212.

Husén, T. 1974. *The learning society*. London: Methuen Publications.

Hutchins, R. M. 1968. *The learning society*. London: Penguin Publications.

Infolitglobal. <http://www.infolitglobal.info> (accessed 26 Dec. 2011).

Information Literacy. http://www.informationliteracy.org.uk/CILIP_CSG_IL.aspx (accessed 26 Dec. 2011).

Information Literacy Resources Directory. http://www.uv.mx/usbi_ver/unesco (accessed 26 Dec. 2011).

Karisiddappa, C.R. 2004. Literacy concepts in the lis: information literacy and capability building. In *International workshop on Democratization of Information: Focus on Libraries*. <http://www.nigd.org/libraries/mumbai/reports/article-9.pdf> (accessed 13 April 2009).

Lantz, A. and C. Brage. 2006. Towards a learning society – exploring the challenge of applied information literacy through reality-based scenarios. *ITALICS*. Volume 5 Issue 1. <http://www.ics.heacademy.ac.uk/italics/vol5-1/pdf/lantz-brage-final.pdf> (accessed 13 April 2009).

National Forum on Information Literacy. <http://www.infolit.org/> (accessed 26 Dec. 2011).

O'Sullivan, T. et al. 1983. *Key concepts in communication and cultural studies (studies in culture & communication)*. London: Methuen.

Oxfam International Youth Parliament (OIYP). 2005. Case study collection: awareness raising & behavioural change. *Strategies for Change in the OIYP Network*. <http://iyp.oxfam.org/documents/OIYP%20Case%20Study%20Collection.pdf> (accessed 13 April 2009).

Prague declaration - towards an information literate society (Prague, Czech Republic, 20-23 September

2003).

<http://portal.unesco.org/ci/en/files/19636/11228863531PragueDeclaration.pdf/PragueDeclaration.pdf> (accessed 13 April 2009).

Sayers, R. 2006. *Principles of awareness-raising: Information literacy: a case study*. Bangkok: UNESCO Bangkok <http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001476/147637e.pdf> (accessed 13 April 2009).

UNESCO. 2005. Towards knowledge societies: Unesco World report (WSIS). <http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001418/141843e.pdf> (accessed 13 April 2009).

UNESCO Information for All Programme. 2007. Understanding information literacy: a primer edited by the Information Society Division, Communication And Information Sector. Paris: UNESCO. <http://unesdoc.unesco.org/images/0015/001570/157020E.pdf> (accessed 13 April 2009).

Wilkin, C. L., B. Fraunholz, and C. Unnithan. 2006. A possible journey to an Australian knowledge management framework, *International journal of knowledge, culture & change management* 6 (3): 29-42.



Model of Developing Information Literacy for Iranian Ministry of Higher Education (MSRT)

Ali Hossein Ghasemi*

Assistant Professor in Medical LIS,
Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences

Iranian Journal of
**Information
Processing &
Management**

Abstract: This paper presented a model on developing information literacy for Iranian Ministry of Science, Research and Technology. This model was based on three sides: formulating rules and regulations, content production, and communication among the activists. In each of these sides, while referring to noting-worthy points, the top possible actions were mentioned. It was expected that by achieving information literacy skills that entails equipping the learners with critical thinking skills, much of the national objectives aimed in cultural, social, economic and scientific fields areas will be attained; all since that the first step in accessing knowledge (the main characteristic of which is being localized) consists of the ability to recognize the problem, to determine the information need clearly, and to exploit the existing information in producing new information and knowledge.

Keywords: information literacy, information literacy development model, planning information literacy education, Ministry of Science, Research and Technology, Iran

Iranian Research Institute
For Science and Technology
ISSN 2251-8223
eISSN 2251-8231
Indexed in LISA, SCOPUS & ISC
Vol.27 | No.2 | pp: 345-368
winter 2012

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*Corresponding author: tvahn@yahoo.com